



مطالعه و تبیین کارکرد گرایی در جامعه شناسی دینی جامعه ایران

انسیه ابوبصیری

دبیر علوم اجتماعی، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

20ncbasir@mihanmail

چکیده

در جامعه شناسی دین، مباحثی مانند منشأ دین، کارکردهای روانی و اجتماعی دین مطرح می گردد که بیان کننده نیاز انسان به دین بوده و رویکرد اجتماعی دین، از این جهت اهمیت دارد که همواره جامعه به صورت نظام اجتماعی با دین به مثابه نهاد اجتماعی، همسویی داشته است. نگرش کارکرد گرایی دین به اجتماع را که به شناخت رابطه دین و انسانها و کارکردهای آن به صورت پدیده اجتماعی می انجامد. باروش توصیفی و تحلیلی به بررسی مطالب پرداخته شده و چارچوب نظری مقاله به بررسی تعاریف مفهومی دین و، تحلیلی بر رویکردهای روان شناختی، کارکردگرایی اجتماعی از دین به منظور تأیید این مورد که آموزه های دینی و اصول راهبردی آن فراتر از انگیزه های مادی در روابط اجتماعی است و بر نوعی جهان بینی اتکا دارد که باعث تکامل جوامع بشری میگردد.

کلمات کلیدی: جامعه شناسی، کارکردگرایی، ثبات اجتماعی، باورهای دینی

مقدمه

در تعریف دین تاکنون اتفاق نظری بین عالمان و صاحب نظران صورت نیافته؛ چرا که تلقی از دین به صورت های بسیار متنوعی جلوه گر شده است و طبقه بندی هایی که از تعاریف به عمل آمده، هیچ کدام دربرگیرنده تعریفی قانع کننده از دین نیست؛ چون هر یک، یا جنبه ای از دین را در نظر داشته یا این که به کلی از مفهوم آن به دور افتاده اند؛ چنان که یکی از این طبقه بندی ها، تعریف هایی است که بر حسب وجوه مشترک ادیان به عمل آورده اند و عناصر مشترک دین های موجود را بررسی کرده و تعریف فراگیری از دین ارائه داده اند. از سوی دیگر، واژه دین در عالم معنا شناختی (علم معانی) جای دارد و در ارتباط با واژه ای دیگری چون خرافات، ارتداد، ایمان و بی اعتقادی تعریف می شود که این تعابیر سبب شده تا دین حقیقی از آن چه غیر مستحق نام دین است، جدا نشود. نفوذ و تمایلات و مقاصد نظری نیز در ارزیابی مفهوم دین دخیل بوده؛ به طوری که آن چه نظریه پردازان به صورت دین در نظر می گیرند، به تبیین مورد نظرشان از دین بستگی دارد. با اوصاف ذکر شده در تعاریف مفهومی دین، به هر یک ایرادی قابل طرح است. ایراد وارد بر تعاریفی که بر حسب وجوه مشترک ادیان ارائه شده، این است که بسیاری از اندیشه های به اصطلاح دینی مشترکند؛ اما به هیچ وجه بنیاد دین را تشکیل نمی دهند؛ چرا که بنیاد اصلی اندیشه های دینی منبع وحی است که هیچ خطا و انحرافی به آن راه ندارد؛ یعنی فقط زمانی یک اندیشه، جنبه دینی می یابد که معیار آن فرمان پروردگار باشد و نه کسی دیگر؛ در حالی که بسیاری از اندیشه ها وجود دارند و به نام دین شناخته می شوند؛ اما پرداخته اوهام، اساطیر یا عقل بشری اند رویکردی روان شناختی و کارکردگرایی اجتماعی در قلمرو دین پژوهی محققان و دین پژوهان



برای تسهیل در فهم تبیین دین، طبقه‌بندی‌هایی را در تعریف دین در نظر داشته‌اند که عمده‌ترین آن‌ها، نظریه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. بسیاری از تعاریف پیشین در بیان دین، جنبه روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی دارد. مقصود از رویکرد جامعه‌شناختی، بیان تعاریفی است که دین را برحسب علل اجتماعی یا آثار آن بر روی مسائل جامعه و انسان و کارکردهای اجتماعی بررسی می‌کند؛ چنان‌که دورکیم در این باره می‌گوید: دین، نظام یکپارچه‌ای از باورها و عملکردها و اصول مشترک از تکالیف مرتبط به چیزهای مقدس و جدا از دیگر امور می‌باشد. این باور داشت‌ها، عملکردها و اصول مشترک امور مقدس همه کسانی را که به آن‌ها عمل می‌کنند و در یک اجتماع اخلاقی واحد همبسته می‌کند

بیان مساله

. با توجه به ماهیت دین، دو کارکرد فردی و اجتماعی دین را که در مفهوم جامعه با یکدیگر اشتراک دارند می‌توان برشمرد: ۱. کارکردهای فردی :الف. دین به زندگی انسان‌ها معنا و مفهوم می‌بخشد و احساس درونی انسان را تقویت می‌کند و به وی تسلی خاطر می‌بخشد و اضطراب از آینده کاهش می‌یابد. ب. دین به انسان فرصت می‌دهد که از حصار محدود خارج شود و به نیروی متعالی‌تر و باشکوه‌تر پناه ببرد. ج. دین به انسان «هویت» می‌دهد.

۲. کارکردهای اجتماعی :الف. دین هنجارها و ارزش‌های نخستین جامعه را مهم می‌داند و پذیرش آن‌ها را برای انسان‌ها آسان می‌کند. ب. دین سبب تقویت و حمایت از نظام اجتماعی شده و از نهادها و سازمان‌های اجتماعی که در معرض تحولات قرار می‌گیرند، جانبداری می‌کند. ج. دین از طریق شرکت افراد در مراسم مذهبی و احترام به مقدسات، اسباب همبستگی اجتماعی را فراهم می‌آورد. د. دین بر رفتار انسان‌ها و نظارت‌کننده بر کارکردهای اجتماعی آنان ناظر است. ه. دین به صورت رفتاری جمعی بر روابط اجتماعی تأثیر دارد و در شکل‌گیری این روابط و نهادی شدن آن‌ها بین گروه‌های اجتماعی تأثیر عمیق دارد؛ بنابراین با توجه به استفاده از مسائلی همچون متون دینی و بررسی کارکردهای فردی و اجتماعی دین و تعیین قلمرو و چگونگی دخالت دین در عرصه‌های گوناگون حیات آدمیان می‌توان اهداف دین را تشخیص داد و با تعیین این اهداف و کارکردها است که می‌توان به گونه‌ای به تحدید قلمروهای فعالیت و دخالت دین در حیات بشری همت گمارد. (محمدتقی جعفری، ۱۳۷۷: ص ۸۲) غایت‌مداری دین در تبیین رویکرد و جامعه‌شناختی از آن‌جا که غایت هر چیزی، نشان‌دهنده ماهیت آن است، برای تعیین دین و تعریفی جامع از آن می‌توان غایت آن را بررسی کرد. منظور از ماهیت دین این است که از چه مقوله‌هایی تشکیل می‌شود و قلمرو آن تا کجا گسترده شده است. در همین باره از دین تعریفی غایت‌گرایانه خواهد شد تا چارچوب مفهومی و کلیات نظری دین معنادارتر و به واقع نزدیک‌تر شود. به هر حال دین را به عنوان سرسپردگی غایی بشر که همانا رسیدن به سرچشمه هستی است، تفسیر کرد. به عبارتی روشن‌تر، غایت دین رسیدن انسان به خدا است؛ پس می‌توان گفت ماهیت دین چیزی نیست جز برنامه‌ای برای رسیدن به خدا. بر این اساس، در دین هم شناخت خدا، و هم حرکت به سوی او مطرح است و در واقع همین دو امر نیز پایه‌های اصلی دین را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین ماهیت دین از دو اصل بنیادی تشکیل شده است. ۱. اعتقاد به وجود خداوند یکتا و کمال مطلق که جهان آفرینش را بر پایه داد و حکمت برین خویش آفریده است. همچنین اعتقاد به این که خداوند هر موجودی را (از جمله انسان) در بهترین نظم وجودی آفریده و آن‌ها را هدایت کرده است. ۲. برنامه حرکت به سوی خدا که همانا کمال راستین بشر است؛ اما کمال انسان هم در گرو کمال خرد است که این نیز از دو جنبه نظری و عملی بررسی می‌شود. تکامل خرد از جنبه نظری همانا مرحله شناخت حق یا «اندیشه» است که در دنیای واقع به سه صورت علم، حکمت و عرفان بروز می‌کند. تکامل خرد از جنبه عملی در عدالت است؛ یعنی رهبری و تسلط خرد بر تمام نیروهای جسمی و روحی بشر؛ اما باید توجه داشت که این



اندیشه و عدالت در دنیای واقع از سه راه کلی در اختیار ما گذاشته می‌شوند: یکی از راه گروهی است که اندیشه‌ها و اصول عدالت خود را از نیروی عقل و تجربه خویش ناشی می‌دانند بدون آن که خودشان را وابسته به جهان بالا بدانند. در حقیقت اندیشه‌های علمی و فلسفی به معنای بشری بودن آن در همین جهت قرار دارد؛ اما گروهی دیگر اندیشه‌ها و قوانین عدالت خود را نه برخاسته از عقل یا تجربه می‌دانند و نه وابسته به جهان بالا؛ بلکه آن‌ها را از نیروی عشق و عرفان به شمار می‌آورند؛ چنان‌که اندیشه بسیاری از عارفان در این رده جای می‌گیرد. در بُعد جامعه شناختی، شهید مطهری ابتدا به نقش و جایگاه عقل و خرد انسان در تدبیر و سعادت فردی و اجتماعی اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: این‌جا است که نیاز به یک مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسؤولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسؤولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد. (مرتضی مطهری، ۱۳۵۰:ص ۴۶)

بحث اصلی

جامعه‌شناسی دین چیست؟

دین (در معنای جامعه‌شناختی آن) به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی در طول حیات خود در قالب گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و دیگر تجلیات اجتماعی متنوعی ظاهر گردیده که تا کنون از همین زوایا شایان تامل و بررسی شناخته شده است. با این وجود زمان چندانی از بررسی‌های روشمند اجتماعی در این عرصه نمی‌گذرد. یکی از شاخه‌های مهم در مطالعات دین پژوهی «جامعه‌شناسی دین» است. این رشته که به مطالعه دین از منظری اجتماعی پرداخته و به دنبال تحلیل قاعده مند و منظم پدیده‌های دینی از طریق به کارگیری مفاهیم و روش‌های جامعه‌شناسی است، قصد دارد دریابد اعمال و اعتقادات دینی یک گروه خاص چگونه در جامعه ایفای نقش می‌کند. جامعه‌شناس دین با رویکردی غیر متعهدانه به موضوع دین می‌نگرد و سعی دارد نقش دین در جامعه و اهمیت تاثیر آن بر تاریخ بشری و مسایل اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. (عبدالرضا علی زاده، ۱۳۷۵:ص ۸۹)

جامعه‌شناسی دین به بررسی علمی دین می‌پردازد. در این گرایش دیندار بودن یا نبودن جامعه‌شناس اهمیتی ندارد و ارزش‌های شخصی در تبیین دین دخالت داده نمی‌شود و تبیین دین بنا بر ادعا فارغ‌دلانه است. «جامعه‌شناسی دین، روابط فرایند‌های دینی و مناسبات اجتماعی را بررسی می‌کند». البته می‌توان این تعریف را بسط داد و فرایندهای دینی و مناسبات اجتماعی را به طور جداگانه تعریف کرد و توضیح داد.

رابطه دین با جامعه‌شناسی

بررسی دین در حوزه‌های متعدد علمی از جمله کلام، فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی با توجه به نگرش‌های خاصی که در هر مجموعه معرفتی موردنظر می‌باشد، موجب تعریف و برداشت‌های متفاوتی از دین شده است که عمدتاً به شکل وسیع، ریشه در تلاشی دارد که در غرب در جهت ارائه تعریفی برای دین انجام گرفته است؛ زیرا یافتن ماهیت متمایز و یگانه دین یا ارائه سلسله‌ای از صفات، که دین و آنچه را مربوط به آن است از بخش‌های دیگر زندگانی انسان متمایز می‌گرداند، بیشتر یک رویکرد و رهیافت غربی است که از زمان رنسانس به بعد، بخصوص در دوره اصلاح دینی با آن مواجه هستیم. در غرب، طی یکی دو قرن تعاریف و تلقی‌های فراوانی از دین ارائه شده که حتی ارائه فهرست ناقصی از آن هم به راحتی ممکن نیست. برخی از آنها عمدتاً سعی در تمایز قاطع بین ابعاد دینی و غیر



دینی فرهنگ دارند و گاه دین را با مجموعه اعتقادات، بویژه اعتقاد به موجودی متعال برابر گرفته‌اند. از سوی دیگر، عده‌ای عوامل تجربی، عاطفی، شهودی و همچنین عوامل ارزشگذارانه و اخلاقی را جزو دین به حساب آورده‌اند. (جواهری حقیقی، ۱۳۸۰: ص ۹۳)

با پیدایش و غنای رشته‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، که رشته علمی نسبتاً جدیدی است، عامل مهمی وارد تعریف دین گردید و آن چیزی نبود جز ملاحظه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی در نوع تلقی از دین. در نظر آنها، دین هرگز یک مجموعه انتزاعی از اندیشه‌ها، ارزش‌ها، یا تجربه‌ها، که جدا از حوزه فرهنگی جامعه باشند، نیست، زیرا بسیاری از اعتقادات و آداب و رسوم و شعایر دینی با توجه به حوزه فرهنگی جامعه قابل درک می‌باشد و از اینجاست که رهیافت‌های جامعه‌شناختی به دین آغاز می‌گردد. و جامعه‌شناسی دین رونق می‌گیرد، رشته‌ای علمی که شیوه طبیعی مطالعه دین و جامعه نیست، بلکه فرآوردی فرهنگی است که توسط تحولات تاریخی اندیشه غربی پدید آمده‌است و پژوهشگران را بر آن داشته‌است که از ادعاهای هنجارآفرین دین یا جامعه مورد پژوهش آنان فاصله بگیرند (همان منبع)

رویکرد کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی دین

پژوهشگران در عرصه جامعه‌شناسی دین، نظریات بسیاری ارائه نموده‌اند. یکی از جنجالی‌ترین این نظریات رویکرد کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی دین می‌باشد. دلیل عمده روی آوردن به تبیین کارکردی در تحلیل مناسبات دینی این است که جامعه‌شناسانی که در حوزه دین پژوهی به تحقیق مشغول بودند مشاهده کردند که در جامعه دینداران، رفتارهای منظمی به چشم می‌خورد که برحسب نیات آن افراد قابل تبیین نیست و در عین حال این رفتارهای منظم به گونه‌ی هستند که گویا غایبات خاصی را در جامعه تأمین می‌نمایند. این امر باعث شد تا این دسته از محققین، باورها و اندیشه‌ها و رفتارهای موجود در اجتماع را برحسب غایبات مورد نظر تبیین نمایند. در این نوع تبیین، موضوع پژوهش پیوستگی و کلیت اجزا و عناصر یک کل (یعنی جامعه دینی) و نقش اجزا در این پیوستگی می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هدف از دنبال کردن این شیوه نگرش بررسی رسوم اجتماعی و آشکار کردن کارکردهای اجتماعی اعتقادات و رفتارهای دینی می‌باشد. (رضوی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۷)

چگونگی و رشد کارکردگرایی

خطوط پراکنده و ریشه‌های چنین تبیینی را می‌توان در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو نیز یافت. در عرصه جدید، آگوست کنت که بنیانگذار جامعه‌شناسی معرفی شده به نقش و کارکرد دین در وحدت بخشی اجتماعی معترف بوده است. کنت که از بحران اجتماعی عصر خود هراسان بود و جامعه را نیازمند یک اقتدار یا قدرت تنظیم‌کنندگی می‌دانست، به نقش دین به عنوان عامل وحدت بخش اجتماع اعتراف نموده است. از طرفی رویکرد علمی کنت باعث شد تا وی صورت و محتوای دین موجود را نپسندد و به خلق صورت مذهبی تازه بی‌همت گمارد. در دین پیشنهاد شده توسط کنت، جامعه‌شناس که ابزار تحلیل علمی و فهم اصولی وحدت و انسجام اجتماعی را در اختیار دارد بلندپایه‌ترین کاهن آیین معرفی گردیده. کنت براین اساس کلیسا، مناسک و لباس... مذهب اثبات‌گرایی را بنیان نهاد. در حال حاضر یکی از دو شاخه مذهب اثبات‌گرایی هنوز هم پابرجاست، اسپنسر، داروین، مالتوس، مارکس و ... از اندیشمندانی هستند که به وضوح به نقش و کارکرد دین در آثار خود اشاره داشته‌اند.

اما امروزه تاریخ‌نگاران اجتماعی، امیل دورکیم را بنیانگذار کارکردگرایی عصر جدید معرفی می‌کنند. وی تحت تأثیر دلمشغولی‌های قرن نوزدهم، مخصوصاً در عرصه زیست‌شناسی، با استخدام واژگان این شاخه علمی و با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و آرای طرفداران نظریه اندام‌وارگی به تحلیل پدیده اجتماعی دین پرداخت. اندیشه‌های دورکیم نفوذ بسیاری بر رشته جامعه‌شناسی داشته و بسیاری از جامعه



شناسان و انسان شناسان از این رهیافت برای بررسی پدیدارهای اجتماعی دین بهره گرفته اند که می توان به رد کلیف براون، ماینوفسکی، رابرتسون، اسمیت و ... اشاره نمود. البته تفاوتی در حواشی و فروع، بین این پژوهشها و اندیشه دورکیم قابل مشاهده است. برای مثال دورکیم باورداشتهای دینی را بیان نمادین یک سری حقایق عینی می دانست. درحالی که براون آنها را توهم و خطا معرفی کرده و معتقد بود این باورداشتهای نادرست و عملکردهای خطاآمیز، با وجود نادرستی شان، کارکردهای اجتماعی ارزشمندی داشته اند. دلیلی که باعث شده این دسته پژوهشگران، با وجود چنین اختلافی ذیل یک رهیافت معرفی گردند، این است که تمام اینها در نهایت بر کارکردهای دین تأکید می کنند نه بر ماهیت و منشأ دین و عقاید و مناسک دینی .

پس از ارایه نظریه کارکردگرایی و تسلط نسبی آن در نیمه اول قرن بیستم، با توجه به تغییر و تحولات عام و مطالعات جدید و ارایه نظریات تازه، این رویکرد مورد انتقاد شدیدی قرار گرفت ولی امروزه، دیدگاههای ترکیبی همچون نظریه کارکردی - ساختی مقبولیت بسیاری در بین جامعه شناسی آن دارد .

رویکرد کارکردگرایی در ایران

پس از پیروزی انقلاب ایران، با توجه به اینکه دین به عنوان یک نهاد قوی، وارد حوزه کلان فعالیتهای سیاسی و اجتماع گردید و اداره حکومت و اجتماعی را برعهده گرفت و صدور انقلاب را هم سرلوحه آرمانهای خود قرارداد، مسأله کارآمد بودن دین در اداره ابعاد مختلف جامعه و قدرت و توانایی آن در ایجاد تحول و تکامل همه جانبه، جایگاه خاصی در مباحث نظری و کاربردی پیدا کرد. درباب ضرورت بررسی در مبادی نظری و کاربردی این نظریه باید گفت که چنین رهیافتی در تحلیل برخی پژوهشگران درباره دین و نهادها و مناسک دینی به چشم می خورد (فولادی، ۱۳۸۹:ص ۹۸)

ازطرف دیگر به دنبال سپری شدن سالهای پرتلاطم انقلاب و جنگ و شروع دوران بازسازی و توسعه، مبانی انسان شناسانه و جامعه شناسانه توسعه پایدار از مباحث محوری تلاشهای نظری محققان گردید. در این پژوهشها اندیشه ورزان دریافته اند که در بین نهادها و فعالیتهای اجتماعی هیچ نهاد یا فعالیتی را نمی توان یافت که مانند نهاد و فعالیتهای دینی این همه تنوع و تفاوت داشته و این آثار و نتایج اساسی را در کل اجتماع به بار آورده باشد. مطالعات انسان شناسانه و جامعه شناسانه و پژوهش های دینی و بررسی صور و هنجارهای گوناگون دینی در اقشار مختلف دینداران این تلقی را در برخی از اندیشمندان و پژوهشگران ایجاد کرد که گویا نهادها، عقاید و اعمال دینی به قصد خاصی به وجود می آیند و تنوع آنها ناشی از کارکرد آن نهادها در جوامع مختلف می باشد. این امر برخی از پژوهشگران را تحریک نمود تا تحلیلهای خود را در باب مقبولیت و توجیه پذیری نهادها و باورها و رفتارهای اجتماعی و دینی و همچنین تصمیم گیریهای خود درباره حفظ یک نهاد یا اصلاح و تخریب نهادی دیگر براساس نقش آن در جامعه ارزیابی نمایند. (همان منبع)

آرامش روان

برخی روان شناسان، تسلی بخشی را مهم ترین کارکرد دین می پندارند. زیگموند فروید معتقد است که انسان در زندگی خود با محرومیت ها و ناکامی هایی مواجه شده و از آن رنج می برد. بخشی از این محرومیت ها را تمدن بر انسان تحمیل کرده است؛ چراکه نظم و مقرراتی که در سایه تمدن پدید آمده، خواه ناخواه بعضی محدودیت ها را از نظر فردی برای انسان به وجود می آورد. ضمن آن که محدودیت هایی از این دست نیز گهگاه برخی بر برخی تحمیل می نمایند؛ چه این که در هر جامعه ای، افرادی یافت می شوند که بر دیگران تسلط داشته و با اعمال قدرت، آن ها را از حقوق خود محروم می کنند. افزون بر موارد یاد شده، طبیعت هم از دیرباز، تهدیدهایی را پدید آورده است که لاجرم به محرومیت می انجامد.



فروید با بیان مراحل مختلف دینی، معتقد است در مرحله ای که دین با اخلاق عجیب می شود، انسان به این باور می رسد که خدایان، این محرومیت های تحمیل شده بر آنان را جبران می کنند. دین، تصویری از نظم جهانی ارائه می دهد که در آن، هیچ چیز اتفاقی و تصادفی نبوده، بلکه همه چیز در موضع و جایگاه خودش معنادار و هدفمند است (Freud, 1928: 17-18).

اگر افرادی در این دنیا، گناه کار بوده و به دیگران ظلم نموده اند، در درازمدت و در همین جهان یا جهان دیگر، به کیفر رسیده و سزای کار خود را خواهند دید؛ از این رو یک نظم اخلاقی بر جهان، حاکم است که این قاعده عام با عملکرد برخی ستم کاران، عمومیت خود را از دست نمی دهد. این گونه است که دین، نقش تسلی بخشی خود را برای انسان دیندار ایفاء می نماید. (همان منبع)

یگانگی شخصیت

کارل گوستاو یونگ، روان پزشک و روان شناس سوئیسی معتقد است که دین، کارکردهای مثبتی برای فرد دارد. او مهم ترین کارکرد دین را عبارت از وحدت شخصیت می داند. یونگ بر این باور است که انسان دارای امیال و غرایز متفاوت و متعارضی است. برای این که انسان به کل یکپارچه و واحد تبدیل گردد، لازم است که میان غرایز و امیال او تعادل و توازن برقرار گردد. در این صورت، تمام امیال و غرایز انسان، با هماهنگی همدیگر کار می کنند و مراد از وحدت شخصیت هم همین است (نک: به: مورنو، ۱۳۷۶: ۴۴-۴۳؛ هال، ۱۳۷۵: ۱۳۷)

انسجام اجتماعی

به روایت آلفرد ردکلیف براون، انسان شناس اجتماعی اهل انگلستان، یکی از کارکردهای مهم دین، ایجاد ثبات و انسجام اجتماعی است. او معتقد است که باورها و اعتقادات دینی، به گونه ای نمادین، بیان گر احساساتی است که به ثبات و انسجام اجتماعی کمک می کند. اگرچه ممکن است در مواردی، این باورها نادرست بوده و منجر به عملکردهای خطا آمیز شوند، با این حال از نظر اجتماعی دارای کارکردهای ارزشمندی هستند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

برخی جامعه شناسان بر این پنداره اند که دین به عقلانی جلوه دادن اعتقاداتی می پردازد که برای انسجام بخشی به جامعه مفید هستند. مناسک دسته جمعی باعث می شود که تعلق و دلبستگی افراد به هدف های گروهی بیشتر شده و منافع گروهی بر منافع فردی ترجیح داده شود. این مسئله به یگانگی افراد جامعه منجر شده و به افتراق آن ها از جوامع و ملت های دیگر می انجامد.

دین با اعتقاد به جهان فراطبیعی، به تقویت این باور می پردازد که هر عمل نیکی، در نهایت، پاداش و هر عمل زشتی، مجازات و کیفر در پی خواهد داشت. این اعتقاد، خود به خود، اصل قانون مند بودن جهان را پیش می کشد و اعتقاد به ارزش های غایی را فریه تر می سازد؛ چراکه اگر غیر از این بود؛ بدان معنا که عمل نیک، بدون پاداش می ماند و گناه، تنعم به بار می آورد، دیگر اعتقاد به ارزش های غایی و فضیلت های اخلاقی، بی معنا می گردید و حیات و سرنوشت، به تصادف وابسته می شد؛ در صورتی که اعتقاد به این امور، کارکرد اجتماعی دین را تقویت می کند. تأکید دین بر پاداش فراطبیعی، به دلیل اعمال نیک و یا کیفر غایی، به سبب کردار قبیح، مبین خصلت انسان وار قلمرو دینی است (vis, 1948: 527).

چنین باوری، بیان گر این نکته است که نوعی اراده یا قدرت وجود دارد که انواع خاصی از رفتارها و عملکردها را برای انسان مقرر کرده است و انتظار، این است که او آن ها را انجام دهد؛ در صورت انجام، پاداش می یابد و در صورت استکفاف، کیفر می بیند. افزون بر موارد پیش گفته، دین با مطرح ساختن اعتقاد به قلمرو فراطبیعی، نوعی اهداف متعالی را برای انسان طرح می کند که هر فردی با هر اندازه از توان و قدرت مادی و امکانات دنیوی که در اختیار دارد، می تواند برای رسیدن به آن برنامه ریزی نموده و در آن راستا حرکت نماید. باورمندی به این اهداف باعث می شود افرادی که در این دنیا قادر نیستند به سبب وجود بی عدالتی ها، به اهداف و آمال



دنیوی خود برسند، این امید را داشته باشند که در دنیای دیگر، از نتایج تلاش های خویش در رسیدن به اهداف متعالی، بهره مند گردند. (همان منبع)

دین و بهداشت جسمی و روانی

شواهد نشان می دهد که دینداری، نتایج سودمندی برای تندرستی افراد دارد. اگر اعتقادات دینی و معنوی، دارای منافع روانی است، چنین می توان پنداشت که این اعتقادات، صرف نظر از حقیقت داشتن یا نداشتن، ارزشمند است و حتی شاید ارزش درمانی داشته باشد. بعضی از این منافع، ممکن است از عضویت در گروه مورد حمایت عموم؛ نظیر جامعه کلیسا ناشی شود. منافع دیگر ممکن است از افزایش عزت نفس حاصل گردد که ناشی از این اعتقاد است که انسان، محبوب خداوند و نیروهای برتر دیگر است. اما منافع دیگر صرفاً برخاسته از این پنداشت است که دین و معنویت، مانند هنر، معماری و شعر گسترده می باشد. مزایای دیگر، ریشه در استقبال از تغییراتی دارد که در اثر عقیده، در افراد مشاهده می شود. آنان ممکن است احساس کنند که انسان های بهتر، محبوب تر و مشفق تر شده اند؛ به زیبایی های خلقت، نگرش بازتری دارند؛ خودخواهی و خودمحوری آن ها کمتر شده است؛ بخشنده ترند و به کارهای خوب، گرایش بیشتری دارند؛ با زندگی، هماهنگی بیشتری داشته و در جامعه، از ارزش زیادی برخوردارند. (فونانا، ۱۳۸۵: ۳۵۴-۳۴۱؛ وولف، ۱۳۸۶: ۳۵۳-۳۴۹)

تحقیقات قابل توجهی در سال های اخیر درباره این موضوع انجام گردیده است که نتیجه بیشتر آن ها، رابطه مستقیمی را میان عقیده و کنش دینی و رفتارهای سالم و مثبت نشان می دهد. این پژوهش ها اتفاق نظر دارند که دین، بر بهداشت جسمی افراد تأثیر می گذارد؛ برای نمونه، جانسون و اسپلیکا در پژوهش خود اثبات می نمایند که هشتاد و پنج درصد از زنان بیمار، در گزارشی که از شرح حال خود ارائه کرده اند، دین را عامل مهم و مؤثری در کنار آمدن با بیماری خویش معرفی نموده اند.

همچنین شواهد بررسی شده، نشان می دهد که اعتقاد دینی و تجربه های معنوی، موجب بهبود رفاه و ارتباطات مثبت می گردد و عموماً به بهداشت روانی کمک می کند. به علاوه، چنین اعتقادات و تجربه هایی، به طور بالقوه، ارزش های اخلاقی، روابط انسانی، سبک زندگی، اهداف و فلسفه های حیات بشری، بیان خلاقانه و وابستگی های اجتماعی و عضویت گروهی را تحت تأثیر قرار می دهد (فونانا، ۱۳۸۵: ۳۵۶-۳۵۵).

نتیجه گیری

آن چه بشر امروز و به طریق اولی بشر فردا را وحدت و جهت می بخشد و آرمان مشترک می دهد و ملاک خیر و شر باید و نباید می گردد، یک فلسفه زندگی انتخابی آگاهانه، آرمان خیز، مجهز به منطق و به عبارت دیگر یک ایدئولوژی جامع و کامل است؛ یعنی دین در حوزه جامعه شناختی، نظام ارزشی را که مبنای خوبی و بدی فعالیت ها در همه جنبه ها است، ترسیم، و نقش محدودیت را در انسجام فکری همه نیروها و منابع شناخت انسان ایفا می کند و روابط انسان با محیط پیرامونی خویش را روشن می سازد. در رویکردی جامعه شناختی، تأکیدهای قرآن در فهم و تفسیر ارتباط انسان با جامعه و هموعان خود، کارآمدی دین در توضیح یک نظام ارزشی و منسجم را روشن می کند. هنگامی که انسان ها در کنار هم زندگی می کنند، برای تأمین نیازهای متقابلشان ناگزیر خواهند شد که نوعی «نظم و قانون» را میان خود بپذیرند؛ اما این نظم و قانون چیزی نیست که فقط پیرو قرارداد صرف ما باشد؛ بلکه امری واقعی است که به طور قهری خود را میان روابط بشری نمایان می سازد. چون خداوند بنا به حکمت و مصلحت خویش، انسان ها را چنان آفرید که روابطشان با یکدیگر اعم از زن و مرد فقط با نوعی نظم و قانون سامان می گیرد. این بدان سبب است که انسان همچون دیگر اجزای هستی، نوعی



نظام تکوینی دارد که به فطرت تعبیر شده است؛ اما از آن جا که بشر دارای اختیار و اراده و همچنین زیر فشار هواهای نفسانی است تحت اوضاع خاص بخش عمده‌ای از آن نظام تکوینی یا فطری بشر به صورت قانون‌های دینی برای او تشریح می‌شود. بر پایه چنین بینشی قرآن کریم می‌فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِ الدِّينِ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. پس با نهایت اخلاص به این دین روی آور؛ چه، آن، هماهنگ با فطرت خدا است؛ فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده. هرگز آفرینش خدا دگرگون نشود و دین استوار همین است؛ ولی بیش تر مردم نمی‌دانند. بسیاری از دستورهای قرآن که جنبه اجتماعی دارد و قلمرو ارتباط انسان با هم‌نوع خود را تبیین می‌کند در زمره آن دسته از قوانین تشریحی است که با فطرت انسانی همسویی دارد؛ از جمله: آزادی اندیشه که در این باوه قرآن می‌فرماید: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ اللَّهِ. دین شما برای خودتان، و من نیز دین خود را دارم. لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ. هیچ اجباری در دین نیست. به راستی که رهیابی و ره گم کردن، به‌خوبی از هم باز شناخته شده است. نفی هر گونه چشمداشت سودجویانه در قرآن بارها آمده است که در مسائل اجتماعی، بازتاب عمل انسان به خودش برمی‌گردد و اعمال افراد هیچ ضرری به خداوند نخواهند رساند. وَلَا يَحْزُنُ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ أَنَّهُمْ كُنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ... إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ كُنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا... و کسانی که در کفر بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، نکند که اینان تو را به اندوه نشانند؛ البته که آنان به هیچ روی زبانی به خدا نمی‌رسانند. ... به راستی کسانی که کفر را به بهای ایمان خریده‌اند، به هیچ روی زبانی به خدا نمی‌رسانند ... یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اعْتَدَيْتُمْ ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما است که خوشتن را دریابید. هر گاه شما خدا را دریابید، دیگر آن کسی که گمراه شده، بر شما زبانی نمی‌رساند. صلح و اتحاد فراخوانی مردم به صلح و اتحاد بر پایه قدر مشترک‌ها یکی دیگر از شعایر قرآنی است. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ... بگو ای اهل کتاب! بیایید و بر هر سخن که یکسان است، میان ما و شما گرد هم آییم؛ یعنی این که جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را انبازش نپنداریم و نه برخی از ما برخی دیگر را سوای خدا، خداوند فراگیرد. وَأَنْ جَنَّحُوا لِلْسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَأَنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَ اللَّهِ ... و اگر به صلح روی آورند، پس تو نیز بدان روی بر، و کار خود به خدا واگذار؛ البته که او شنوا و دانا است و اگر بخواهند با چنین ترفندی تو را بفریبند، پس مطمئن باش خداوند مایه بی‌نیازی تو خواهد بود. حل مسالمت آمیز اختلاف‌ها یکی دیگر از اصول قرآنی که به مسائل اجتماعی اختصاص می‌یابد، حل مسالمت آمیز اختلاف‌ها است که در آیاتی متعدد به بیان آن پرداخته شده است. وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ ... و خدا را آماج سوگندهای خویش قرار ندهید تا بدین دستاویز دیگر نتوانید نیکی و پارسایی کنید و میان مردم سازش درافکنید. برخی از آیات قرآن درباره روابط مبتنی بر عهد و قرارداد بین مردم اشاره دارد: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قراردادها را به سر برید. ... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. به پیمان‌های خود وفا کنید؛ چه، پیمان بازخواست شدنی است. آیاتی که به روابط اجتماعی افراد اشاره کرده، نمونه‌ای از آیات بسیار قرآن کریم است که هدف از استحکام روابط فرد با جامعه را رسیدن به خدا و تکامل معنوی می‌داند. تعبیر آیات قرآنی نشان می‌دهد که جامعه شناختی دین، مفهومی فراتر از انگیزه‌های مادی در روابط اجتماعی افراد دارد و به نوعی جهان‌بینی خاص در تبیین روابط انسان‌ها در مناسبات اجتماعی متکی است که تکامل جوامع بشری را بر پایه علت غایی حاکم بر جهان هستی و باور به خدا ترسیم می‌کند و در مناسبات اجتماعی راه و روش دستیابی به یک نظام ارزشی را معین می‌کند. امروزه نیز تأثیر عمیق دین در عصر جدید همچنان بر جوامع بشری حاکم است؛ از آن جمله مشارکت فعال ملت‌ها در مسائل جهانی، جنبش‌های سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدایت مردم به وسیله آموزه‌های دینی و اصول راهبردی آن به سوی شکلی از زندگی فردی و اجتماعی است که مدد و پذیرش دین باشد. امروزه روابط افراد با خویشان نیز که بیش تر در حوزه روان‌شناختی قابل بحث است، دچار تحول



اساسی شده و بیش از همیشه نیاز توجه به دین و تأثیرات روحی ناشی از آثار و نتایج آن بر انسانها را افزایش می‌دهد. ماهیت دین فرانسوی است که از عالم ربانی نشأت گرفته است و در تار و پود روابط اجتماعی انسانها برای اهداف متعالی تری ریشه دارد که تشخیص اصول راهبردی و کارکردهای مثبت و ثمره‌بخش اجتماعی آن ضامن وحدت، همبستگی و تقویت روابط اجتماعی است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ملک همیلتون: جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات تیبان، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۳.
- ۳- امیل دورکیم: صورت‌های ابتدایی حیات مذهبی، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۷.
- ۴- م. سینگر: مطالعه علمی دین، چاپ نیویورک، ۱۹۷۰ م ص
- ۵- علامه طباطبایی: تفسیر المیزان، ص ۱۸۷.
- ۶- محمدتقی جعفری: فلسفه و دین، دفتر نخست، مقدمه: محمدرضا اسدی، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ص ۸۲.
- ۷- فولادی، محمد. مورس، برایان. جامعه‌شناسی دین از دیدگاه ماکس وبر. نشریه معرفت
- ۸- مرتضی مطهری: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی، وحی و نبوت، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴ ش، ص ۴۱.
۹. فونتانا، دیوید. (۱۳۸۵)، روان‌شناسی، دین و معنویت، ترجمه الف. ساوار، قم: نشر ادیان.
- ۱۰- مورنو، آنتونیو. (۱۳۷۶)، یونگ: خدایان و انسان مدرن، ترجمه داریوش مهرجویی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۱- مورس، برایان. (۱۳۸۳)، مطالعات مردم‌شناختی دین، ترجمه سید حسین شرف‌الدین و محمد فولادی، قم: زلال کوثر
- ۱۲- همیلتون، ملک. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- ۱۳- وولف، دیوید. (۱۳۸۶)، روان‌شناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد.
- ۱۴- عبد‌الرضا علی‌زاده- جامعه‌شناسی دین - مجله حوزه و دانشگاه - پاییز ۱۳۷۵ - شماره ۸
- ۱۵- جواهری حقیقی، محمدرضا. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین. روزنامه انتخاب
- ۱۶- رضوی، مسعود. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی دین چیست؟. روزنامه همشهری، ۳/۲۸
- ۱۷ Berger, p. (1973), the social reality of religion, Harmandsworth: Penguin.
- ۱۸ Davis, K. (1948), Human Society, New york: Macmillan.
- ۱۹ Freud, Sigmund, The Future of an illusion, London: Hogarth.
- ۲۰ Yinger, J.M. (1957), Religion, Society and the individual, New York: Macmillan.